

گفت‌وگو با دانش‌آموزان نورۀ اول متوسط پسرانۀ فجر دانش

فرزانه نورالهی

راه‌کار

کار کنی؟

- آیا در کنار درس خواندن سر کار هم می‌روی؟
- دوست داری در آینده چه‌کاره شوی؟
- چقدر از الان می‌توانی کار آینده خود را تعیین کنی؟

شما چقدر با این سؤال‌های بالا مواجه شده‌اید؟
به نظر شما پاسخ این سؤال‌ها چقدر به زندگی الان شما
ارتباط دارد؟

برای شنیدن پاسخ سؤال‌های بالا و گفت‌وگو درباره آن‌ها
به «دبیرستان فجر دانش» در شهر یزد رفتیم و مهمان
دانش‌آموزان هفتم، هشتم و نهم بودیم.

این یک سؤال تکراری است که از کودکی بارها و بارها از شما
پرسیده‌اند. این ضرب‌المثل معروف:

«برو کار می‌کن مگو چیست کار که سرمایه‌جاودانی است کار»
را هم که از شعرهای گران‌سنگ ملک‌الشعرای بهار است زیاد
شنیده‌ای! به نظر شما واژه «کار» در عبارت‌های بالا به چه
معناست؟

آیا کار همان شغل یا حرفه است؟

کار یعنی پول درآوردن؟

یا سؤال‌های دیگری از قبیل:

- آیا در خانه کار می‌کنی؟
- آیا دوست داری در اوقات فراغت، به‌خصوص تابستان‌ها،

۴

نوجوان

شماره ۱۴۰ آذرماه ۱۴۰۱



خب دوستان! لطفاً به این سؤال‌های پاسخ دهید:

دوست داری در آینده چه کاره شوی؟ علت انتخاب این حرفه چیست؟ برای رسیدن به آن چه مقدماتی لازم است؟

امیرحسین رضائی: من دوست دارم در آینده مهندس شوم.

به این شغل علاقه‌مندم و فکر می‌کنم درآمد خوبی داشته باشد. اگر درس‌هایم را خوب بخوانم و درباره آن با دیگران مشورت کنم، فکر می‌کنم به هدف خود برسم.

محمد جواد جعفری: من دوست دارم در آینده رئیس صنف طلای یزد بشوم. چون فکر می‌کنم تجارت در خونم جریان دارد و به آن علاقه‌مندم. برای رسیدن به این شغل بهتر است در حوزه تجارت تحصیل کنم، اعتمادبه‌نفس لازم را داشته باشم، ذهن خود را برای تجارت آماده کنم، و به منابع مالی مناسب دسترسی داشته باشم. البته به نظر من ۱۰ درصد دانش و ۹۰ درصد تجربه در زندگی شغلی آینده ما اثرگذار است.

محمد مهدی ملکی: من می‌خواهم در آینده در صنعت هوا-فضا و یا رایانه فعالیت داشته باشم. به این موقعیت شغلی علاقه دارم و تلاش می‌کنم در آینده به آن برسم. برای رسیدن به این موقعیت مهم‌تر از همه اراده و خواست فردی است و باید خوب درس بخوانم. به نظر من اگر اراده‌ای برای درس خواندن و حرفه‌آموزی نداشته باشیم، به جایی که علاقه‌مندیم نخواهیم رسید. البته تنها مدرک تحصیلی در این حوزه کافی نیست و باید در کنار تحصیل، تجربه‌هایی هم در این زمینه به‌دست آورد.

محمدطاها دهقان دهنوی: من کار مکانیکی را انتخاب می‌کنم. به این دلیل که به آن علاقه دارم و هم درآمد خوبی دارد. اقدامات لازم برای آن، کسب تجربه است. یعنی باید آن را انجام دهیم. باید

دنبال اشتغال و کاری که علاقه‌مندیم باشیم و از آینده ترسی نداشته باشیم. درآمد هم بهتر است اولویت اول نباشد. کار، عار نیست و من به همه توصیه می‌کنم کاری را که دوست دارند انجام دهند.

امیرعلی فتوحی: من دوست دارم آشپز شوم. آشپزی کردن را دوست دارم و می‌توانم در خانه با آشپزی کردن، با درست کردن غذاهای بیشتری آشنا شوم و به شغلی که می‌خواهم در آینده داشته باشم، نزدیک شوم.

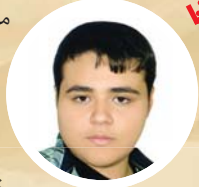
محمد مهدی ابراهیمیان: من دوست دارم حسابدار شوم. چون هم درآمد خوبی دارد و هم به رشته حسابداری علاقه‌مندم. برای رسیدن به این حرفه، باید در درس ریاضی تلاش و دقت داشته باشم.

پوریا حکاکیان یزدی: من دوست دارم در آینده وکیل پایه یک دادگستری شوم. این حرفه با احساسات و اخلاقیاتم مطابقت زیادی دارد. برای رسیدن به آن برنامه‌ریزی و اولویت‌بندی لازم است.

ابوالفضل عبداللهمی: من دوست دارم در آینده مهندس طراحی ساختمان شوم. دلیل انتخابم پیشرفت کشور است. با بیشتر درس خواندن و پشتکار می‌توانم به آن برسم.

امیر محمد حداد: من فوتبالیست شوم و به نظرم راحت می‌توان به این شغل رسید. البته تمرین و تلاش برای رسیدن به آن لازم است.

مجتبی بحرانی: من دوست دارم در آینده مهندس شوم. **سامان ایرجی:** من دوست دارم در آینده سیاستمدار شوم. هم علاقه و توانمندی در خود احساس می‌کنم و هم این کار باعث رشد، پیشرفت و شکوفایی کشور می‌شود. بهتر است از کهنه کاران و افرادی که الان مشغول این



حرفه هستند الگوبرداری کرد و همچنین برای پرورش مغز و تفکر راهکار پیدا کرد. در علم پیشرفت کرد و خودخواهی‌ها و منم‌منم‌ها پایان یابند.

ممنونم از اینکه صادقانه و با شفافیت به اولین سؤال پاسخ دادید. چقدر در این جمع کوچک تنوع شغلی وجود دارد و این نشان می‌دهد، واقعا به شغل آینده خود فکر کرده‌اید و روحیات، توانمندی‌ها و علاقه‌مندی‌های خود را شناخته‌اید.

نکته جالب دیگری که از صحبت‌های شما دریافتیم این است که به معیارهای ظاهری انتخاب شغل، از جمله اهمیت و جایگاه اجتماعی آن در جامعه خیلی پرداخته نشده است. ممنونم می‌شوم به سؤال بعدی پاسخ دهید:

آیا تا به حال (تابستان ۱۴۰۳) کار کرده‌اید؟ چه احساس و انگیزه‌ای برای انجام آن دارید؟ آیا بابت آن دستمزدی دریافت می‌کنید؟

امیر حسین رضائی: پدر من ماشین سنگین دارد و از بندر بار می‌آورد. من با ایشان در سفرهایی همراهی می‌کنم. انگیزه‌ام کمک به پدرم بوده است و بابت آن دستمزدی دریافت نکردم.

سامان ایرجی: من تجربه کار ندارم. شناختی هم درباره فضای کاری ندارم.

محمد مهدی ابراهیمیان: من تجربه فروشندگی دارم. به نظر من فضای مدرسه بهتر از فضای کار است. مدرسه زنگ تفریح دارد ولی در فضای کار، یکسره باید کار کنی.

امیر علی فتوحی: امسال با خانواده یک کار تولیدی صنایع دستی را در خانه آغاز کرده‌ایم. خمیری را آماده می‌کنیم و در قالب می‌ریزیم و سپس در کوره قرار می‌دهیم. من از انجام این کار خوشم می‌آید و با خانواده همراهی می‌کنم.

پوریا حکاکیان یزدی: من فعلا در کنار پدرم عکاسی می‌کنم. ایشان کارگاه دارند و من این کار را از پایه چهارم یاد گرفتم و به این کار علاقه‌مندم. البته کنار دست پدرم هستم و بابت آن دستمزدی دریافت نمی‌کنم.

مجتبی بحرانی: من مکانیکی انجام می‌دهم. به آن علاقه‌مندم و فعلا چون در حال یادگیری هستم، بابت آن دستمزدی دریافت نمی‌کنم. از هفت صبح تا هفت و هشت شب یکسره سر کار هستم. صاحب کارم پسر عمویم است و از انجام این کار رضایت دارم. دوست دارم در آینده برای خودم مغازه باز کنم.

ابوالفضل عبداللهی: من کاری انجام نمی‌دهم.

محمد مهدی ملکی: در حال حاضر همراه خانواده‌ام در شهر خودمان کشاورزی می‌کنم. کار کشاورزی خیلی سخت است. من همراهی می‌کنم. احساس نمی‌کنم که مجبورم این کار را انجام دهم و تا حدودی به آن علاقه‌مندم.

محمد جواد جعفری: من به پدر بزرگم کمک می‌کنم. ایشان طراح و معمار هستند. از پدر بزرگم دستمزد هم می‌گیرم و احساس خوبی دارم.

محمد طاها دهقان دهنوی: من شغل مکانیکی را انتخاب کردم و در یک مکانیکی کار می‌کنم. از نه صبح تا دو بعد از ظهر. حقوق هم می‌گیرم. شغلی است که به آن علاقه‌مندم و سخت نیست. رفتار خوبی با من و

بقیه شاگردان می‌شود. مانند اوستای بالای سر شاگرد رفتار نمی‌کنند و اجباری در کار نیست. رفتار خوب اوستا باعث می‌شود شاگردان از این

کار دل زده نشوند. بعد از ظهرها را به استراحت و تفریح می‌پردازم. **امیر محمد حداد:** من در حال حاضر در کلیدسازی کار می‌کنم. کلید را با دستگاه می‌سازیم و من روش آن را یاد گرفته‌ام. از هفت صبح تا دو و نیم بعد از ظهر ساعت کاری است و من با وجود اینکه شب‌ها حدود ۱۲ شب می‌خوابم، صبح زود به سر کار می‌روم.

بسیار ممنونم که در این بخش هم با پاسخ‌های صریح و صادقانه مرا همراهی کردید.

بعضی از شما کارهایی انجام می‌دهید که تقریباً ارتباطی به شغل آینده شما ندارد. آیا تجربه و کاری که الان انجام می‌دهید می‌تواند به شغل آینده شما کمک کند؟

امیر محمد حداد: ممکن است به هر دلیلی نتوانیم کاری را که برای آینده انتخاب کرده‌ایم، انجام دهیم. در آن صورت کاری را که در نوجوانی انجام داده‌ایم و در آن مهارت کسب کرده‌ایم و به آن علاقه‌مند بوده‌ایم، به عنوان شغل آینده انتخاب می‌کنیم تا بیکار نمانیم.

محمد طاها دهقان دهنوی: بله می‌تواند کمک کننده باشد و باعث کسب تجربه شود. بعضی از حرفه‌ها هستند که به زندگی آینده ما مربوطند. مثلا اگر در آینده در جاده‌ای بودیم و ماشین‌مان خراب شد، و سر راه مکانیکی نبود، اگر مکانیکی بلد باشیم می‌توانیم خودمان مشکل را حل کنیم.

محمد جواد جعفری: به نظر من چشیدن کار و تاب‌آوری در آن می‌تواند به انجام هر کاری در آینده کمک کند. وقتی ما در این سن مزه کار را می‌چشیم و با سختی‌های آن آشنا می‌شویم و خودمان را محک می‌زنیم، مسیر رسیدن به آن را متوجه می‌شویم.

محمد مهدی ملکی: من با آقای دهقانی موافقم. کار الان ما به زندگی آینده ما خیلی ارتباط دارد، نه به زندگی شغلی آینده ما! تجربه کار در نوجوانی به خاطر درآمد نیست و حتی اگر به آینده شغلی هم ربط نداشته باشد، بهتر از بیکاری است.

مجتبی بحرانی: از دوران نوجوانی، انجام کاری که دوست داریم در آینده هم انجام دهیم، باعث می‌شود زودتر در آن کار اوستا شویم.

پوریا حکاکیان یزدی: من با دوستان مکانیک موافقم. اگر نخواهیم شغل الان، شغل آینده ما باشد، حتما در آینده در زندگی شخصی به درد ما می‌خورد. الان که هدف اصلی من کمک به پدرم است. در زندگی آینده، عکاسی برای من دو بخش می‌شود: بخش هنری و بخش فروشندگی. در بخش هنری، در آینده عکاسی می‌تواند شغل زاپاس من باشد. یعنی اینطور نیست که تا به دانشگاه بروم، شغل رویایی‌ام را به دست آورم و درآمد کسب کنم. تا آن زمان می‌توانم به عنوان شغل دوم از عکاسی درآمد کسب کنم.

البته این حرفه برای من از نظر موقعیت اجتماعی هم فایده زیادی دارد؛ از نظر ارتباط و گفت‌وگو با دیگران و شناخت بیشتر خودم.

امیر علی فتوحی: اگر در کاری که در حال حاضر انجام می‌دهم موفق باشم، در آینده آن را ادامه می‌دهم. البته در حال حاضر انگیزه اصلی من کمک به خانواده است.

امیر حسین رضائی: ممکن است درآمد شغل اصلی در آینده کفاف زندگی را ندهد و با انجام شغل دوم بتوانیم درآمد بیشتری به دست آوریم.



آیا تا حالا شده به خاطر شغلی که دارید، دیگران شما را مسخره کنند؟ در این شرایط آیا ناراحت می‌شوید؟

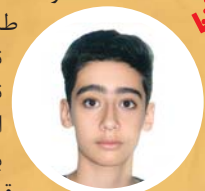
محمد جواد جعفری: بله من به گفته‌اند این شغل در سطح تو نیست، اتباع خارجی این کار را انجام می‌دهند و ... اما آدم نباید وابسته حرف دیگران باشد. باید دنبال علاقه‌مندی‌هایش برود.

پوریا حکاکیان یزدی: شغلی که الان دارم چون شغل خانوادگی‌ام محسوب می‌شود و تمام اقوام هم این حرفه را دنبال می‌کنند، مورد تمسخر قرار نگرفته‌ام. ولی فکر می‌کنم مشکل اصلی بچه‌ها، فرهنگ غلط بعضی از خانواده‌هاست که در انتخاب شغل فرزندان‌شان به موقعیت اجتماعی آن نگاه می‌کنند و اینکه آیا موقعیت بالای دارد یا نه؟ اگر هم فردی در سن ما به خاطر تمسخر دیگران شغلش را کنار بگذارد، به نظر من آن شغل را قلباً دوست ندارد و همان بهتر که آن شغل را رها کند.

مثلاً من روی خودم کار کرده‌ام که ملیت، قومیت و شرایط ظاهری روی اخلاقیاتم تأثیر نگذارد.

به نظر شما چه عواملی باعث می‌شوند بچه‌ها در سن نوجوانی سراغ کار کردن نروند؟

سامان ایرجی: وقتی پدر و مادر سر کار می‌روند و تمام کارها توسط ایشان یا خواهر یا برادر بزرگ‌تر انجام می‌شود، طبیعی است که نوجوان به خودش زحمت کار کردن ندهد. وقتی برای کارهای جزئی و ساده هم تلاشی نکنند، کم‌کم با بزرگ‌شدن، کارهای بزرگ‌تر را هم انجام نمی‌دهد. مگر اینکه اتفاق خاصی برایش بیفتد و از این تنبلی رها شود. اما اگر در خانه قوانینی باشد که مسئولیتی به دوش بچه‌ها بگذارد،



آن‌ها از تنبلی فاصله می‌گیرند و عادت می‌کنند کار کنند. بهتر است در نوجوانی هم بچه‌ها کار کردن در بیرون خانه را تجربه کنند که در زندگی بزرگ‌سالی خیلی به کمکشان می‌آید.

پوریا حکاکیان یزدی: به نظر من در سن ما تنبلی خیلی معنایی ندارد. مثلاً خود من اگر حوصله نداشته باشم، ممکن است کل خانه را تمیز کنم و جارو بزنم، و اگر حوصله نداشته باشم، حتی حاضر نیستم بروم آب بخورم. البته به نظر من باز به رفتار پدر و مادر هم بستگی دارد. اگر آن‌ها آدم‌های تنبلی نباشند، می‌توانند الگوی رفتاری خوبی برای بچه‌هایشان باشند.

محمد جواد جعفری: کار می‌تواند خودش تمرینی باشد برای اینکه افراد تنبل نشوند.

به عنوان آخرین سؤال: غالباً راحت‌طلبی و کار نکردن برای افراد مطلوب است. چه پیشنهادی دارید برای اینکه فرهنگ اشتغال در کشورمان در سن شما رونق بگیرد؟ آیا شما در طول سال تحصیلی هم کار می‌کنید؟

محمد طاها دهقان دهنوی: مدرسه‌ها در یزد دونوبته (صبحی یا عصری) هستند. بچه‌هایی که کار می‌کنند، می‌توانند در نوبت مقابل به سر کار بروند. الان بیشتر بچه‌های یزدی به سر کار می‌روند و دنبال کار تراشکاری و مکانیکی هستند و بعد از ظهرها به مدرسه می‌روند. فضای کاری سالم است و یکی از دلایل روی آوردن بچه‌ها به کار، بودن همراه دوستان‌شان است. در محل کار بیشتر به ایشان خوش می‌گذرد تا مدرسه! به نظر من بچه‌ها دیگر از مدرسه رفتن سیر شده‌اند.

پوریا حکاکیان یزدی: برای افزایش فرهنگ اشتغال، به نظر من به هر کس به اندازه‌ی لیاقتش کار بدهند. مثلاً افرادی که تحصیلات دارند، مطابق رشته‌ی تحصیلی‌شان کار گیرشان نباید، نه اینکه با مدرک کارشناسی ارشد بروند راننده تاکسی شوند. تعداد شغل‌هایی

که برای بی‌سوادهاست، نسبت به تعداد شغل‌هایی که برای باسوادهاست بیشتر است. من عصرها به عکاسی می‌روم.

سامان ایرجی: اگر از نوجوانی به سر کار برویم، جوهر کار در ما به وجود می‌آید. یعنی تنبل بار نمی‌آییم و کاری می‌شویم. در تابستان خوب است سر کار برویم. اما در طول سال تحصیلی اگر امکانش باشد، خوب است بعد از ظهرها سر کار برویم. مدرسه رفتن هم باعث باز شدن مغز و فکر می‌شود. همه چیز فکر است و وقتی فکر باز می‌شود، عمل به وجود می‌آید و خیلی به ما کمک می‌کند. **محمد مهدی ملکی:** در کشور ما سواد خالی به درد نمی‌خورد. یعنی آدم باید حرفه هم داشته باشد. خیلی دخترها بیکار هستند. به نظر من کسانی که الان ترک تحصیل می‌کنند و دنبال کار حرفه‌ای می‌روند، آینده‌ی بهتری نسبت به ما دارند که مدرسه می‌رویم.

سامان ایرجی: به نظر من راننده تاکسی باسواد کارش را بهتر انجام می‌دهد، نسبت به راننده تاکسی که تا ششم ابتدایی درس خوانده است. چون مغزش پرورش پیدا کرده است.

محمد مهدی ملکی: چه ربطی دارد؟ راننده تاکسی بودن با مهارت و تجربه ارتباط دارد. رادیکال و معادله چه ارتباطی به رانندگی تاکسی دارند؟

سامان ایرجی: پرورش مغز یعنی بهتر فکر کردن و بهتر مسئله حل کردن. طبیعتاً کسی که درس خوانده و مغزش پرورش یافته است، هر کاری را بهتر انجام می‌دهد.

محمد مهدی ملکی: شما سه سال در دوره اول دبیرستان درس خوانده‌اید و خیلی چیزها را حفظ کرده‌اید. الان مطالب آن سه سال به چه درد زندگی شما می‌خورد؟

سامان ایرجی: درس‌ها را نباید حفظ کرد، باید یاد گرفت. **پوریا حکاکیان یزدی:** اگر درس بخوانی اما تجربه کسب نکنی، فایده ندارد.

و البته گفت‌وگوی شیرین و جذاب بچه‌ها ادامه داشت و من مجبور بودم مطالب را جمع‌بندی کنم:

بچه‌ها! امروز در کنار شما برای من فرصت مغتنمی بود. خیلی خرسندم که این قدر روحیه کمک به خانواده در شما وجود دارد. شما کار مورد علاقه خود را انتخاب کرده‌اید یا کاری را انجام می‌دهید که در خود احساس توانایی و توانمندی انجام آن را دارید. پيامی که از شما دریافت کردم این بود که می‌توان در کنار درس خواندن در مدرسه، به صورت پاره‌وقت یا نیمه‌وقت، به دنبال کارهای مورد علاقه هم رفت. از این راه می‌توان از سنین نوجوانی به افزایش درآمد خانواده در کنار پدر و مادر کمک کرد. برای تک‌تک شما نوجوانان برومند آرزوی موفقیت دارم.

کار فعالیتی هدفمند است که براساس علاقه‌ها و توانایی‌های هر فرد انتخاب می‌شود و سعی، تلاش و پشتکار در مسیر یادگرفتن و تجربه‌کردن آن حرفه باعث افزایش توانمندی، اعتمادبه‌نفس، شکوفایی استعدادها، رشد روابط اجتماعی و کسب درآمد می‌شود.

اگر از دوره نوجوانی تجربه کارورزی شروع شود، آینده بهتری در زندگی فردی و اجتماعی دانش‌آموزان رقم می‌خورد.